



تعلیم

تعلیم و تعلم از مهمترین امور **سعادت** آفرین برای **بشر** است. در سایه تعلیم بود که **انسان مسجود فرشتگان** شد و در **سایه تعلم** است که انسان می‌تواند دیگران را **رشد داده** و از **علم** آنها نیز بهره مند شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - مفهوم تعلیم و تعلم
- ۲ - تعلیم و تعلم از منظر قرآن
- ۳ - کسب هویت و ماهیت انسانی
- ۴ - خداوند معلم نخست و انسان متعلم اول
- ۵ - آداب تعلیم و تعلم
 - ۵.۱ - اجازه
 - ۵.۲ - دوری و اجتناب از شتاب و عجله
 - ۵.۳ - احترام
 - ۵.۴ - اطاعت و پیروی
 - ۵.۵ - توکل
 - ۵.۶ - تکرر و یادآوری
 - ۵.۷ - صبر و شکیبایی
- ۶ - روش‌ها و الگوهای آموزش
 - ۶.۱ - ارائه الگو
 - ۶.۲ - استفاده از تشبیه
 - ۶.۳ - استمرار تعلیم
 - ۶.۴ - بیان فلسفه و علت حکم
 - ۶.۵ - تنوع بیان
 - ۶.۶ - طرح سوال و پرسش
- ۷ - ابزارهای آموزش
 - ۷.۱ - حواس پنجگانه
 - ۷.۲ - قلم
- ۸ - موارد تعلیمی
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

مفهوم تعلیم و تعلم

تعلم به معنای یاد گرفتن و **دانش** آموختن است؛ چنان که تعلیم به معنای آموختن و **آموزش** دادن است.

[۱] لغت نامه، دهخدا، ج ۴ ص ۵۹۷۱.

[۲] فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۱۰۳.

تعلیم و تعلم برگرفته از **واژه علم** و از **مشققت** آن است که در باب تفعیل و تفاعل (ثلاثی مزید) به کار رفته است تا معنای آموزش دادن و نیز آموزش گرفتن را بیان دارد.

تعلیم و تعلم از منظر قرآن

مشققت واژه علم در **قرآن** بسیار آمده است. در بسیاری از **آیات** قرآن **خداوند** خود را **معلم** و **آموزگار** معرفی کرده است. به عنوان نمونه در سوره الرحمن می‌فرماید: «الرحمن علم القرآن» خداوند رحمان، قرآن را آموزش و تعلیم داده است»

[۳] الرحمن/سور ۵۵، آیه ۲.

و یاد در سوره علق می‌فرماید: «اقرأ و ربك الاكرام الذی علم بالقلم» بخوان و پروردگار تو بس گرامی است همان کسی که با قلم انسان را آموزش داد»

«علم الانسان مالم يعلم» به انسان چیزی را که نمی دانست، آموخت»

کسب هویت و ماهیت انسانی

در **بیتش** و **تحلیل قرآنی**، **حکایت آموزگاری خداوند** و **آموزش دین انسان**، **حکایت هویت** و **ماهیت انسانی** است. به این معنا که انسان به جهت همین آموزش دیدن **مستقیم** از سوی **پروردگار** است که به **مقام انسانیت** و در نتیجه **خلافت الهی** بر **هستی** از **قرارگاه زمین** دست یافت. در تحلیل قرآنی آمی به سبب **دانش** و **معرفی** که به **تعلیم الهی** آموخته **شرافت** یافته است و مستحق **سجده** همه **کائنات** از **فرشتگان** و **یست تر** از ایشان قرار گرفته است. این آموزش انسان به این **علت** است که همگی از وی آن چه را که به طور **مستقیم قابلیت ادراک** آن را نداشته‌اند، بیاموزند. در این **بیتش** حتی آنانی که قابلیت داشته نیز نیازمند رهنمونهای بشری هستند تا به **مقام کمالی** خود دست یابند؛ زیرا تنها انسان است که به علم و دانش **اسمای الهی** و **تعلیم مستقیم** خداوندی توانسته است **ظرفیت‌ها** و توانمندی های خود را به طور کامل بروز و ظهور دهد و به **خلافت الهی** دست یابد و به عنوان واسطه در **فیض** عمل کند و نقش پروردگاری در طول راه به عنوان **ولایت** به عهده گیرد. این نقش تنها به سبب دانشی است که آموخته است. از این جاست که اهمیت و ارزش **تعلیم** و نیز **تعلیم دانسته** می‌شود.

خداوند معلم نخست و انسان متعلم اول

در داستان ماهیت و **هویت** سازی انسان در روز نخست آفرینش آمده است که **خداوند** پس از آن که **حضرت آدم** (علیه السلام) را برای **خلافت** آفرید به وی اسماء الهی را آموخت و سپس آن **اسماء** را بر **فرشتگان** عرضه داشت تا آن را بیان دارند ولی فرشتگان از دریافت **حقیقت** اسماء **ناتوان** و **عاجز** شدند و نتوانستند آن را بشناسند، از این رو عرضه می‌دارند که ما تنها **فایده** به **درک** و **بین** آن چیزی هستیم که خداوند به ما آموخته است و این دانش اسماء فراتر از آن حد و اندازه ای است که ما بدان آگاه شویم. سپس خداوند از آدم (علیه السلام) می‌خواهد تا آن چه از اسماء الهی را که آموخته به فرشتگان بنمایاند و نشان دهد که خود از چه **ظرفیت** و **دارنگی** بالا و **والایی** برخوردار است. آدم (علیه السلام) نیز اسماء را به فرشتگان و دیگران گزارش می‌کند.

به هر حال، خداوند **معلم** نخست و انسان **متعلم** اول است و حق آن است که بگوییم معلم اطلاقی تنها خداست و اوست که به انسان همه چیز را به شکل اسماء الهی آموخته است و انسان به جهت **ظرفیت** ذاتی توانسته است آن را بپذیرد و به صورت **تعلیم** و **پذیرش** دانش اسماء در **ذات** خود قرار دهد. با نگاهی گذرا به **آیت قرآن** می‌توان دریافت که **شأن** و **مقام** آموزگاری در چه حد و اندازه ای است؛ زیرا **تعلیم فعل خداوند** و **شغل پیامبران** است و خداوند در **قرآن** بیان می‌دارد که معلم دیگر انسان پیامبران هستند که به انسان **کتاب** و **حکمت** می‌آموزند و آنان را برای **زندگی اجتماعی** و **قانونی** و **بالنگی** و **رشد** آماده می‌سازند.

از این روست که **قرآن انسانها** را به فراگیری و دانش آموزی فرا می‌خواند و ایشان را **تشویق** و **ترغیب** می‌کند تا **دانش آموزی** را در **اولویت** برنامه ریزی **هدایتی** و **تربیتی جامعه اسلامی** قرار دهند و با **بی سوادی مبارزه** کنند. بر این مبنا است که به **قلم** و آن چه از دانش و **علوم** می نگارد **سوگند** می‌خورد و بر اهمیت آن تاکید می‌ورزد.

و این **حکم قهقی** نیز بر اهمیت **تعلیم** تاکید می‌ورزد که **شکار سگ** **تعلیم** داده شده **طاهر** و **پاک** شمرده می‌شود.

آداب تعلیم و تعلم

قرآن برای **تعلیم** و **تعلیم آداب** خاصی را بیان می‌کند. در مسئله **تعلیم قرآن** به مسئله مهم و اساسی **تعهد** اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که **تعلیم** کننده باید با **متعلم شرط** کند که بر **پایه** و **اساس** دانش عمل نماید و **متعهد** گردد تا از دانش خود به خوبی و درستی بهره گیرد. بر همین پایه است که **هاروت** و **ماروت** دو **فرشته** الهی در زمان **حضرت سلیمان** (علیه السلام) برای آموزش **متعلمان** از ایشان می‌خواهد که **متعهد** گردند تا از دانش خویش در راستای اهداف نادرست بهره نگیرند و آن را برای اهداف سازنده و **مفید** به کار گیرند.

افزون بر این می‌توان به آداب دیگری که قرآن بدان تاکید کرده است اشاره نمود. از جمله می‌توان به آداب زیر اشاره کرد:

← اجازه

از آداب **تعلیم** آن است که **متعلم** و **شاگرد** از **معلم** خویش برای **یادگیری اجازه** بگیرد؛ چنان که **حضرت موسی** (علیه السلام) در هنگام **تعلیم دانش لدنی** الهی از **عالم ربانی** اجازه گرفته و می‌فرماید: «هل اتبعک علی ان تعلمن مما علمت رشد» «آیا می‌توانم برای دست یابی به دانش رشدی که به تو آموخته شده است از تو پیروی نمایم»

بنابراین نمی‌توان بدون اجازه در **دروس استادان** شرکت کرد؛ زیرا برای کسب هر دانشی شرایطی لازم و ضروری است که **استاد** و **معلم** می‌تواند با **آزمون** و یا روشهای دیگر آن را به دست آورد.

← دوری و اجتناب از شتاب و عجله

شاگردان نباید پیش از پایان آموزش هر درس و یا هر دانشی در **پرسش شتاب** کنند؛ زیرا بسیاری از پرسش‌ها در هنگام **تعلیم** استاد و معلم به خودی خود **پاسخ** داده می‌شود و در یک فرآیند طبیعی پرسشی باقی نمی‌ماند؛ **تعجیل** و **شتاب** موجب می‌شود تا معلم ناچار شود مسئله ای که می‌بایست در جایگاه خود طرح و تبیین گردد را پیش تر بیان کند و آموزش درست را با مشکل و خلل مواجه سازد و یا به پرسش‌ها پاسخ ندهد که موجب **کنورت** و یا برداشتهای نادرست دیگر از سوی شاگردان را سبب می‌شود. بنابراین شایسته و بایسته است که شاگردان در هنگام **تعلیم** از **شتاب** و **تعجیل** دوری و **اجتناب** ورزند و پرسش‌های خود را به وقت دیگری واگذارند. این مسئله در **حقیقت** به معنای **شکیبایی** و **صبر** است.

[۱۱] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)

[۱۲] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۹.](#)

[۱۳] [کهف/سور ۱۸، آیه ۷۰.](#)

← احترام

یکی دیگر از آداب تعلم آن است که شاگردان **حق** استاد را مراعات نموده و از **احترام** و **تکریم** وی کوتاهی نکنند. اجازه گرفتن، پاسداشت **عمل** و **سخن استاد**، پیروی از بیانات و دانش آموخته شده، عدم تعجیل در پرسش‌گری و یا اموری از این دست در حقیقت بیان دیگری از **احترام** به **استاد** و **معلم** است.

[۱۴] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)

← اطاعت و پیروی

از دیگر آداب تعلم اطاعت از استاد است؛ اگر شاگرد از استاد **پیروی** نکند نمی‌تواند به درستی به دانش دست یابد و در نتیجه دانشی را یا **کسب** نخواهد کرد و یا به طور **ناقص** کسب می‌کند. اگر استاد و معلم به چیزی **دستور** داد می‌بایست به طور دقیق بر پایه آن عمل کرد و **عصیان** نورزید. البته این به شرطی است که شاگرد استادی کامل را انتخاب کرده باشد و در غیر این صورت می‌بایست **عقل** و **شرع** را معیار قرار دهد و جز در **معصیت خالق** و **پروردگار** از استاد پیروی کند؛ زیرا **هدف** از **تعلم** دست یابی به دانش **رشد** و **کمال** است و این با معصیت و عمل **خلاف شرع** ممکن نمی‌شود.

[۱۵] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)

[۱۶] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۹.](#)

← توکل

واگذاری امور به **مشیت الهی** از آداب تعلم است که از آن به **توکل** یاد می‌شود. برخی از دانش‌ها ممکن است به جهت تفاوت **استعدادها** و ظرفیت‌ها برای شخصی دور از دسترسی باشد، با این همه توکل موجب می‌شود تا **امید** به دستیابی برای وی فراهم گردد و خداوند به عنایت و توفیق خود وی را به مقامی رساند که ظرفیت و شرایط کسب آن دانش را به دست آورد.

[۱۷] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)

[۱۸] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)

← تذکر و یادآوری

از دیگر آداب تعلم آن است که دشواری‌های تعلم هر دانشی به شاگردان گوشزد شود تا دانش آموز با توجه به ظرفیت و توان خود آماده دریافت دانش گردد.

[۱۹] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۷.](#)

← صبر و شکیبایی

این مسئله از آداب مهم تعلم است؛ زیرا آدمی در شرایط **سخت** و **دشوار**، ناشکیبایی کرده و از ادامه دانش آموزشی منصرف می‌شود. از این روست که شاگردان می‌بایست **صبر** و **شکیبایی** را پیشه خویش سازند و در دانش آموزشی از **عجله** اجتناب کنند و خواهان آن نشوند که زود به هدف دست یابند بدون آن که فرآیند دانش آموزشی را به **کمال** گذرانده باشند.

[۲۰] [کهف/سور ۱۸، آیه ۳۹.](#)

[۲۱] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۰.](#)

[۲۲] [کهف/سور ۱۸، آیه ۶۷.](#)

روش‌ها و الگوهای آموزش

قرآن روش‌هایی را برای تعلیم بیان می‌کند که می‌توان از آن برای دانش علوم مختلف بهره برد. در این بخش برخی از روش‌های تعلیمی قرآن بیان می‌شود:

← ارائه الگو

ارائه نمونه عینی، از روش‌های قرآن در تعلیم **معارف** و دانش‌هاست. در آیاتی از قرآن بیان شده است که چگونه پرسشگری می‌تواند **زیانبار** باشد و فرد را با دشواری‌های چندی مواجه سازد.

[۲۳] [مائده/سور ۵، آیه ۱۰۱-۱۰۲.](#)

در حقیقت می‌توان از این روش قرآنی به صورت تعمیمی بهره برد و در آموزش به نمونه‌های عینی و قابل دسترسی برای متعلمان اشاره کرد تا آنان با آشنایی با نمونه‌ها بتوانند **رفتار** و منش خود را تنظیم و هماهنگ سازند.

← استفاده از تشبیه

قرآن کریم برای عینی و قابل فهم کردن مطالب و آموزه‌ها از تشبیه معقول به محسوس استفاده می‌کند. بنابراین بر معلمان و آموزگاران است که در بیان مطالب معقولی که دور از دسترس و یا اندیشه متعلمان است، از روش تشبیه بهره جویند. قرآن در بیان اعمال کافران بیان می‌دارد که اگر بخواهیم آن را تبیین و روشن کنیم می‌بایست اعمال ایشان را همانند خاکستری در برابر باد همانند نماییم که در گذر تندباد و طوفانی سهمگین قرار گرفته است. چنان که در بیان سخن و کلام طیب و یک، آن را به درخت پربراری همانند می‌کنند که اصل و ریشه آن ثابت است و شاخه‌های آن در آسمان قرار گرفته و همگن از آن بهره می‌برند درحالی که سخن ناپاک و خبیث همانند درختی برآمده از زمین است که ریشه در خاک ندارد و قرارگاهی برای آن نیست تا بر پایه‌های خویش بایستند و دیگران از بر و بار آن بهره مند گردند.

[۲۴] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۱۸.

[۲۵] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۲۴.

[۲۶] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۲۶.

← استمرار تعلیم

گوشزد کردن پیاپی رهنمودها و دانش‌ها و تکرار آن از روش‌های تعلیمی قرآن است. از این رو گفته شده است که **درس حرف** و التکرار الف؛ **درس** یک حرف است ولی هزار بار تکرار لازم دارد تا جا بیافتد و قرار گیرد. تکرار و استمرار در تعلیم همانند قطرات آبی است که بر صخره‌های سخت و مرمرین فرو می‌ریزد و در نهایت نقشی بر آن می‌آفریند و در دل آن جای می‌گیرد.

[۲۷] قصص/سوره ۲۸، آیه ۵۱.

← بیان فلسفه و علت حکم

جهت تفهیم دقیق شاگردان، قرآن از روش بیان فلسفه و علت احکام استفاده می‌کند. به عنوان نمونه در بیان حکم آرام سخن گفتن می‌فرماید که بلند سخن گفتن موجب می‌شود که فرد از سخن گوینده بگریزد و آن را ناخوش و زشت شمارد؛ چنان که صدا و سخن خر را زشت و ناهنجار می‌شمارد.

[۲۸] لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۹.

← تنوع بیان

بیان مطالب به شیوه‌های متفاوت و مختلف، روشی کارساز است که قرآن در تعلیم و تربیت خود برگزیده است. در آیت زیادی سخن از این است که قرآن یک مسئله را به شکل آیت مختلف بیان می‌کند. این مسئله در اصطلاح قرآنی به تصریف آیت مشهور است. قرآن بیان می‌دارد که هدف از تصریف آیت و بیان متنوع یک مسئله به اشکال مختلف برای امکان بخشی فهم و درک دقیق مسئله و مطلب برای مخاطب و شنونده آن است.

[۲۹] انعام/سوره ۶، آیه ۶۵.

[۳۰] انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۵.

← طرح سؤال و پرسش

از روش‌های مفید و کاربردی قرآن برای آموزش و تعلیم، بهره‌گیری از طرح سؤال و پرسش است. قرآن در بیان و تبیین بسیاری از مسایل سخت و پیچیده با طرح پرسش می‌کوشد تا در ذهن مخاطب انگیزه و چالشی را برانگیزد تا در جستجوی پاسخ برخیزد. این گونه می‌شود که پس از تلاش پرسش شونده، امکان استقرار و جا افتادن مطلب برای او بیش از پیش فراهم می‌گردد.

[۳۱] انعام/سوره ۶، آیه ۶۳.

[۳۲] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۱۰.

[۳۳] انعام/سوره ۶، آیه ۶۴.

ابزارهای آموزش

← حواس پنجگانه

قرآن به نقش قوی حسی و مشاهدات عینی در تعلیم و آموزش مجهولات و شناخت آن توجه داده و می‌فرماید که چگونه انسان با مشاهده آفریده‌های دیگر و رفتار ایشان می‌تواند بر دانش و توانایی‌های خود بیافزاید. به عنوان نمونه هنگامی که قایل در عملی نابخردانه و خلاف نظام آفرینش، برادر خویش هابیل را کشت نمی‌دانست که با جسد بی جان برادر چه کند. با این همه با توجه به ظرفیت و توانمندی‌های طبیعی و خدادادی خود، به رفتار کلاغ توجه کرد و از او آموخت که چگونه می‌توان چاله و حفره‌ای در زمین کند و جسد را در خاک پنهان کرد. در گزارش قرآن از این مسئله آمده است: «فبعث الله غرابا بیحث فی الارض لیریه کیف یواری سواه اخیه قال یا ویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب فاراری سوءه اخی

فأصبح من الناميين» پس خداوند کلاغی را برانگیخت که در زمین جستجو می‌کرد و آن را می‌کند تا بدو بنمایاند که چگونه می‌تواند جسد برادرش را در خاک کند. (قابیل) گفت: وای بر من که **ناتوانم** از این که مانند این **کلاغ** باشم و جسد برادرم را در خاک کنم. پس، از پشیمانان گردید.»
[\[۳۴\] مانده/سوره ۵، آیه ۳۱.](#)

در این **گزارش** به چگونگی آموزش از طریق **جولس** اشاره می‌شود. در آیه دیگری به این مسئله اشاره می‌شود که دانش انسانی از راه **چشم** و **گوش** به دست می‌آید و **قلب** است که آن را دریافت و به صورت دانش دسته بندی می‌کند و یا از **مردمان** می‌خواهد که به **خلاق** و آفریده‌های پیرامونی و حتی کارکرد و نحوه ساخت و ساختار **بین** خود توجه کند و از آن درس‌ها بیاموزد.

← قلم

در **قرآن** غیر از امور یاد شده از **قلم** نیز به عنوان **ابزار** تعلیم یاد شده و گرامی داشته شده است. در **سوره علق**، **خداوند** پس از **سوگند** می‌فرماید: «الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم» (خداوندی که به قلم به انسان دانشی را آموخت که نمی‌دانست.)

[\[۳۵\] علق/سوره ۹۶، آیه ۴-۵.](#)

بنابر این قلم در تعبیر قرآنی به عنوان ابزار آموزشی مورد **تجلیل** و **تکریم** قرار گرفته و بر اهمیت آموزش از راه نوشته تاکید شده است. این بدان معناست که علم و دانش از طریق **نوشتار** نیز کسب می‌گردد و تنها روش و ابزارهای حسی به عنوان ابزار دانش بشر نیست. انسان بر خلاف همه موجودات دیگر از این توان برخوردار است تا بتواند دانش خود را از طریق **بین** و **کتابت** به دیگری منتقل نماید. هیچ موجودی دیده نشده است که بتواند از طریق کتابت و **نگارش** به دانش دست یابد و یا آن را به دیگری انتقال دهد.

موارد تعلیمی

پرسش معلم در این جا این است که آیا می‌توان هر چیزی را به هر کس تعلیم داد؟ چه چیزهایی را می‌توان تعلیم داد و یا باید تعلیم داد و چه چیزهایی را نباید تعلیم و آموزش داد؟ نگرش **فقوی** قرآن به مسئله باید و نبایدهای حقوقی افزون بر باید و نبایدهای **اخلاقی** چیست؟ بی‌گمان در **بینش** انسانی این مسئله مطرح شده و می‌شود که از نظر اخلاقی برخی امور و مسائلی می‌بایست تعلیم داده شود و در انتقال آن به دیگران **بُخل** نکرد. انسان از نظر اخلاقی متعهد است تا مسائل و اموری را که در زندگی بشر کاربردی و سازنده است، به دیگری بیاموزاند. از این رو گفته شده است که اصل اخلاقی آموزش دیگری به ویژه آموزش چیزهایی است که به عنوان برآورده کردن نیازهای بشری است؛ چنان که آموزش ارزش‌ها و اصول ارزشی از اموری است که **جوامع** خود را به جهت اخلاقی ملزم به آموزش می‌بینند و در اقدام به آن کوتاهی نمی‌ورزند.

از سوی دیگر همین اصول اخلاقی برخی از آموزش‌ها را نادرست و خلاف اصول اخلاقی و ارزشی دانسته و از آن پرهیز می‌دهد؛ از جمله این مسائلی و امور می‌توان به آموزش‌هایی اشاره کرد که موجب **هلاکت** خود و یا دیگری و **آسیب** به **فرد** و **اجتماع** می‌گردد.

در آموزه‌های قرآنی نیز **احکام** و آموزه‌های دستوری است که برخی از آموزش‌ها را لازم و ضروری و **واجب** دانسته و برخی را **حرام** و نادرست بر شمرده و **مؤمنان** را از آن برحذر داشته است. آموزش اخلاق و آداب معاشرت از وظایف پدر در حق فرزند خویش

[\[۳۶\] لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۶.](#)

[\[۳۷\] لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۷.](#)

و نیز چگونگی ورود **فرزندان** به **اتاق** و محل استراحت **پدر** و **مادر** از جمله آموزه‌های دستوری قرآن است.

[\[۳۸\] نور/سوره ۲۴، آیه ۵۸.](#)

[\[۳۹\] نور/سوره ۲۴، آیه ۵۹.](#)

بر مومنان است که **علوم دینی** را از **اهل** آن بیاموزند

[\[۴۰\] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.](#)

و بر **اهل نکر** است که به پرسش‌های علمی و دینی مومنان پاسخ دهند. چنان که بر پیامبران است که **علوم** و **حقایق** و **معارف** و **حکمت** را به انسان‌ها بیاموزند.

[\[۴۱\] بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۱.](#)

در **بینش** قرآنی آموزش علوم زبان‌آماری **مردود** است و **مومنان** باید از آن **پرهیز** کنند. **قرآن** با اشاره به داستان هاروت و ماروت بیان می‌دارد که چگونه مردمان **یابل** به جای آموزش امور مفید و سازنده به تعلم **علوم زینبیار** روی آورده و از **دانش** خود **ضد** دیگر مردمان **سود** می‌جسته‌اند.

[\[۴۲\] بقره/سوره ۲، آیه ۱۰۲.](#)

قرآن می‌کوشد تا با این روش مردمان را از آموزش علوم زینبیار پرهیز دهد.

بنابر این هم بر **معلم** است تا با شناخت ظرفیت **شاگردان** و **متعلمان** دانش را منتقل کند و هم بر متعلمان است که دانشی را که می‌آموزند در **راه راست** و درست استفاده کنند و برای **زین** و **ضرر** زدن به دیگران از آن سود نبرند. آموزش **احکام** و **قوانین**

[\[۴۳\] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۵.](#)

[\[۴۴\] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۷.](#)

[\[۴۵\] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۹.](#)

[\[۴۶\] بقره/سوره ۲، آیه ۲۲۰.](#)

تعلیم چگونگی توبه

[\[۴۷\] بقره/سوره ۲، آیه ۳۷.](#)

تعلیم بیان

[\[۴۸\] الرحمن/سوره ۵۵، آیه ۴.](#)

و تعلیم تسبیح

[\[۴۹\] سجده/سوره ۳۲، آیه ۱۵.](#)

و تعلیم **دعا** و **حکمت** و **نویسنده‌گی** و مانند آن از دسته آموزه‌های قرآنی در حوزه تعلیم و تعلم است که در آیه‌ت بسیاری بدان پرداخته شده است.

پانویس

۱. [↑ لغت نامه، دهخدا، ج ۴ ص ۵۹۷۱.](#)
۲. [↑ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۱۰۳.](#)
۳. [↑ الرّحمن/سور ۵۵، آیه ۲.](#)
۴. [↑ علق/سور ۹۶، آیه ۳-۴.](#)
۵. [↑ علق/سور ۹۶، آیه ۵.](#)
۶. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۶۴.](#)
۷. [↑ قلم/سور ۶۸، آیه ۱.](#)
۸. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۴.](#)
۹. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۰۲.](#)
۱۰. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)
۱۱. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)
۱۲. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۹.](#)
۱۳. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۷۰.](#)
۱۴. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)
۱۵. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)
۱۶. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۹.](#)
۱۷. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)
۱۸. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۶.](#)
۱۹. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۷.](#)
۲۰. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۳۹.](#)
۲۱. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۰.](#)
۲۲. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۶۷.](#)
۲۳. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۱-۱۰۱-۱۰۲.](#)
۲۴. [↑ ابراهیم/سور ۱۴، آیه ۱۸.](#)
۲۵. [↑ ابراهیم/سور ۱۴، آیه ۲۴.](#)
۲۶. [↑ ابراهیم/سور ۱۴، آیه ۲۶.](#)
۲۷. [↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۵۱.](#)
۲۸. [↑ لقمان/سور ۳۱، آیه ۱۹.](#)
۲۹. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۶۵.](#)
۳۰. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۱۰۵.](#)
۳۱. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۶۳.](#)
۳۲. [↑ ابراهیم/سور ۱۴، آیه ۱۰.](#)
۳۳. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۶۴.](#)
۳۴. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۳۱.](#)
۳۵. [↑ علق/سور ۹۶، آیه ۵-۴.](#)
۳۶. [↑ لقمان/سور ۳۱، آیه ۱۶.](#)
۳۷. [↑ لقمان/سور ۳۱، آیه ۱۷.](#)
۳۸. [↑ نور/سور ۲۴، آیه ۵۸.](#)
۳۹. [↑ نور/سور ۲۴، آیه ۵۹.](#)
۴۰. [↑ توبه/سور ۹، آیه ۱۲۲.](#)
۴۱. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۵۱.](#)
۴۲. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۰۲.](#)
۴۳. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۱۵.](#)
۴۴. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۱۷.](#)
۴۵. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۱۹.](#)
۴۶. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۲۰.](#)
۴۷. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۳۷.](#)
۴۸. [↑ الرّحمن/سور ۵۵، آیه ۴.](#)
۴۹. [↑ سجده/سور ۳۲، آیه ۱۵.](#)

منبع

دانش نامه موضوعی قرآن.

